



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم • شماره دوم • تابستان ۱۴۰۳

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 7, No. 2, Summer 2024



مقایسه تحلیلی دیدگاه سه اندیشمند معاصر

با محوریت منشأ مسئولیت اخلاقی انسان

لیلا ثابت قدم* | محمد تقی اسلامی**

doi 10.22034/ethics.2024.51447.1690

چکیده

چرایی و فلسفه مسئولیت اخلاقی که از آن به منشأ بودن مسئولیت اخلاقی نسبت به سائل یاد می‌شود، در اخلاق اسلامی و غیر اسلامی متفاوت است. در اخلاق اسلامی، سائل حقیقی خداوند است، اما به دلیل تفاوت در دلایل و مستندات اخلاقی و اجتهادهای فکری اندیشمندان، تحلیل‌های متفاوتی از منشأ بودن خداوند به عنوان سائل و انسان به عنوان مسئول عنه در آثار آنها دیده می‌شود. برای درک بهتر این تفاوت‌ها، نظرات سه اندیشمند معاصر (آیه الله مصباح یزدی، آیه الله جوادی آملی، محمد عبدالله دراز) به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که اگر چه هر سه آنها منشأ مسئولیت اخلاقی را پاسخ‌گویی به خداوند می‌دانند، اما مصباح یزدی بر مالک بودن خداوند، جوادی آملی بر رابطه خلافتی که برای انسان نسبت به خداوند وجود دارد و دراز بر شرط اختیار انسان استوار است. دیدگاه دوم از جهت کاربردی کردن اخلاق در صحنه اجتماع و دیدگاه سوم نیز به جهت قدرت پاسخ‌گویی به شبهات حوزه مسئولیت اخلاقی شایان توجه است.

کلیدواژه‌ها

مسئولیت اخلاقی، اخلاق اسلامی، توحیدمحوری، خلیفه‌مداری، پذیرش‌مداری.

* دانشجوی دوره دکتری معارف، دانشگاه معارف، قم، ایران. (نویسنده مسئول). | sabet8113@gmail.com

** استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. | eslami48@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

■ ثابت قدم، لیلا؛ اسلامی، محمد تقی. (۱۴۰۳). مقایسه تحلیلی دیدگاه سه اندیشمند معاصر با محوریت منشأ مسئولیت اخلاقی انسان. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۷(۲۲)، ۲۷-۵۰. doi: 10.22034/ethics.2024.51447.1690

بی‌تردید، مفهوم مسئولیت وظیفه و تکلیف از مباحث مهمی است که همواره مورد توجه تمام ادیان آسمانی بوده است. دین اسلام نیز به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین، همواره به بحث مسئولیت و تکلیف از وجوه گوناگون توجه داشته که یکی از آنها مسئولیت اخلاقی است.

اهمیت بحث مسئولیت نزد فلاسفه از یک طرف و ارتباط این بحث با مباحثی نظیر «علیت»، «جبر و اختیار»، «علم مطلق الهی»، «قدرت فراگیر خداوند» و مبحث بسیار پیچیده «قضا و قدر الهی» از طرف دیگر، اهمیت آن را دوچندان کرده است. مفهوم «مسئولیت اخلاقی» اگر چه سابقه‌ای طولانی ندارد، اما از آن جهت که با مبحث جبر و اختیار و اراده آزاد رابطه تنگاتنگی دارد، آن را در سنخ مباحث فرا اخلاقی در نظر می‌گیریم. این گروه از پژوهش‌های اخلاقی به بررسی مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی می‌پردازد و با بایدها و نبایدهای اخلاقی و معیارهای آنها ارتباطی ندارد. از سوی دیگر، منشأ مسئولیت اخلاقی از جمله مباحثی مهمی است که در حقیقت، به فلسفه و چرایی آن برمی‌گردد. به این معنا که چرا ما باید مسئولیت اخلاقی داشته باشیم و چه مبنایی ما را وادار به ملزم ساختن می‌کند. این منشأ در اخلاق دینی و اخلاقی غیر دینی متفاوت است. در اخلاق غیر دینی این منشأ می‌تواند الزام اجتماعی وجدان شخصی، احساسات یا عقل باشد، اما در اخلاق دینی اگر چه سائل کسی جز خداوند متعال نیست و کسی حق بازخواست انسان را در قصورهای اخلاقی اش ندارد. «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ؛ (خدا) از آنچه انجام می‌دهد بازخواست نمی‌شود؛ درحالی‌که آنان بازخواست می‌شوند» (سوره انبیاء، آیه ۲۳)، اما اینکه خداوند به چه دلیل و به چه استنادی حق بازخواست از انسان را دارد، می‌تواند تحلیل‌های متفاوتی داشته باشد که از آیات قرآن و دلایل عقلی و نقلی دیگر قابل استخراج است.

اندیشمندان علوم اسلامی معاصر با همین پیش‌فرض‌های نقلی و عقلی و اجتهادهای خود از این منابع، برای مسئولیت انسان در قبال یک موجود برتر که قابلیت بازخواست داشته باشد، تقریرهای متفاوتی ارائه داده‌اند. این تقریرهای متفاوت، برای مسئول اخلاقی، جزایهای مرتبط قرار داده که هم با روح و روان انسان و هم با جسم او یا هر دو به صورت عقوبت سخت یا پاداش متناسب در زندگی جاودانش ارتباط می‌یابد.

برای درک صحیح این منشأ بودن به بررسی و تبیین دیدگاه سه اندیشمند معاصر اخلاق اسلامی، یعنی آیه الله مصباح یزدی، آیه الله جوادی آملی و محمد عبدالله دراز پرداخته می‌شود که مورد توجه جدی پژوهشگران قرار نگرفته است. این سه دیدگاه در مقاله تحت عنوان دیدگاه



توحید محورانه (از آیه الله مصباح یزدی)، دیدگاه خلیفه مدارانه (از آیه الله جوادی آملی) و دیدگاه پذیرش مدارانه (از عبدالله دراز) مطرح شده است. دیدگاه توحید محورانه بر محور مالکیت خداوند بر انسان، دیدگاه خلیفه مدارانه بر محور خلیفه بودن انسان برای خداوند و دیدگاه سوم بر محور اختیار انسان به عنوان شرط اصلی مسئولیت اخلاقی استوار است. سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا دیدگاه توحید محورانه که بر مالکیت خداوند نسبت به انسان در مسئول بودن اخلاقی او مبتنی است، خلافت الهی انسان برای خداوند یا شرط اختیار را نمی پذیرد؟ یا دیدگاه خلافت مدارانه، مالکیت خداوند بر انسان یا شرط اختیار را باور ندارد؟ از سوی دیگر، دیدگاه پذیرش مدارانه مالکیت خداوند نسبت به انسان و خلیفه بودن انسان را بر نمی تابد؟ پاسخ این است که اگر چه ابتدای هر یک از دیدگاه‌ها بر یک شرط یا ویژگی است، اما این به معنای عدم پذیرش دیدگاه دیگر نیست، بلکه غلبه در هر یک از آنها بر همان شرط یا ویژگی است و تبیین واضح تری از سوی آن اندیشمندان برای آن مورد صورت گرفته و هرگز به معنای نفی دیدگاه دیگر نیست.

بنابراین، در این مقاله در پی پاسخ گویی به این سؤال هستیم که «سه دیدگاه معاصر درباره منشأ مسئولیت اخلاقی انسان چگونه به شکل مقایسه ای مورد تحلیل قرار می گیرد؟». بررسی دیدگاه آنان از این جهت ضروری می نماید که آنها از مطرح ترین اندیشمندان اسلامی معاصر هستند و افزون بر آن درباره مسئله مسئولیت اخلاقی و منشأ آن اظهار نظرهای مهمی دارند که می تواند به وضوح نشان دهد اندیشمندان معاصر نیز در زمینه مسئولیت اخلاقی که از مسائل مهم سال های اخیر در رشته فلسفه اخلاق است، سخن گفته و از این حوزه غافل نبوده اند.

پیشینه مسئله

این مسئله از جمله مباحث مهمی است که همواره از دوران یونان باستان تا کنون مورد توجه فیلسوفان بوده است. کلیدواژه های «وظیفه و الزام» به روشنی بیانگر این مباحث هستند. پدر فلسفه اخلاق، در ابتدای رساله کرایتون، وظیفه و مسئولیت آدمی را در برابر قوانین به تصویر کشیده است (افلاطون، بی تا، ج ۱، ص ۳۰-۶۴). برخی دیگر با قائل شدن به عنوان «قانون طبیعی یا قانون طبیعت^۱ که مجموعه ای از قوانین طبیعی و جهان گستر است را برای مسئول دانستن انسان مطرح

1. lex naturalis



کرده‌اند (see Strauss, 1968).

مسلمانان نیز در اواسط قرن اول هجری، در مباحث جبر و اختیار، به مسئولیت انسان در برابر خداوند پرداخته‌اند. فیلسوفان مسلمانی مانند میرداماد و ملاصدرا در مباحث مرتبط با فعل اختیاری و مبادی ادراکی و هیجانی، با بر شمردن مراحل انجام فعل اختیاری شامل تأکد در شوق، میل، تصمیم و اراده انجام فعل، منشأ بودن عامل و مسئول بودن او را بررسی کرده و در این باره که اراده به وجود آمده، مسبوق به میل و اراده دیگری در وجود عامل اخلاقی است یا خیر، سخن گفته و بحث کرده‌اند (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۰۷).

اگر چه مقالات و آثار علمی متعددی در زمینه مسئولیت اخلاقی اعم از ۱. «مفهوم‌شناسی مسئولیت اخلاقی» نوشته جواد دانش؛ ۲. «مسئولیت اخلاقی در قبال دیگران از منظر رویکرد وظیفه‌گرایانه کانت»، نوشته محمد امین خوانساری و هادی صادقی؛ ۳. «مسئولیت اخلاقی در اندیشه امانوئل لوبیناس» نوشته حمید طالب‌زاده و علیرضا سیدمنصور؛ ۴. «نگاه متفاوت برنارد ویلیامز به مسئولیت اخلاقی» نوشته فاطمه تمدن، در این زمینه نگاشته شده است و از سوی دیگر، ده‌ها یا صدها مقاله به زبان‌های دیگر در موضوع مسئولیت اخلاقی وجود دارد، اما همگی آنها به شناخت مفهوم مسئولیت اخلاقی به صورت مطلق یا دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان پرداخته‌اند و این وجه تمایز همه این مقالات از مقاله پیش‌روست.

از سوی دیگر، دو پایان‌نامه نیز با عنوان‌هایی که به خاستگاه و منشأ مسئولیت اخلاقی پرداخته‌اند نیز نگاشته شده که اولی با عنوان «خاستگاه مسئولیت اخلاقی نسبت به انسان‌های دیگر» نوشته محمد امین خوانساری است که بحث از مسئولیت اخلاقی نسبت به انسان‌های دیگر با تکیه بر دیدگاه‌های هنجاری فیلسوفان اخلاق در نظریه‌های اخلاقی اعم از غایت‌گرایانه و وظیفه‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه می‌پردازد و در پایان با قائل شدن به دیدگاه چندسطحی‌ای که اسلام ارائه داده، مسئولیت را بر اساس ظرفیت و وسع عامل اخلاقی می‌سنجد. تمایز میان مسئله این رساله با مقاله حاضر این است که مقاله بدون در نظر گرفتن نظریه‌های هنجاری، دیدگاه سه اندیشمند معاصر را مورد بررسی قرار می‌دهد و به گستره مسئولیت اخلاقی توجهی ندارد.

رساله دوم با عنوان «مفهوم، جایگاه و خاستگاه مسئولیت اخلاقی در عهد جدید و نهج‌البلاغه» - نوشته سیده سعیده موسوی - به بیان تعاریف مسئولیت اخلاقی در این دو کتاب مقدس اسلامی و مسیحی می‌پردازد و قلمرو آن را در مواجهه با خدا، خود، طبیعت و دیگران می‌داند. هر دو متن، خاستگاه مسئولیت اخلاقی را عقل آدمی می‌دانند و با نگاه



۳۰

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم

شماره دوم

تابستان ۱۴۰۳

غایت‌گرایانه در صدد رساندن انسان به سعادت هستند. وجه تمایز این رساله نیز بررسی دیدگاه این دو کتاب مقدّس است که با دیدگاه بیان‌شده در مقاله یکسان نیست.

مقاله دیگری که تنها به جهت تشابه با دیدگاه علامه جوادی آملی مورد بررسی قرار گرفت و می‌تواند از این جهت با مسئله مطرح شده در این مقاله، همخوانی داشته باشد، مقاله «رابطه جنسیت و مسئولیت اخلاقی بر مبنای دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی» نوشته فاطمه نیازکار و معصومه حافظی است که در فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاق پژوهی - بهار ۱۴۰۲ - به چاپ رسیده است. این نویسندگان به تطبیق دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی با دیگر دیدگاه‌های صاحب‌نظر در حوزه روان‌شناسی، علوم اجتماعی و فمینیسم در مورد تأثیر جنسیت بر مسئولیت‌پذیری اخلاقی در ابعاد خانوادگی و اجتماعی پرداخته‌اند و در کنار دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی از عقاید تانگ، هلدن و گیلیگان سخن گفته و مقایسه‌هایی درباره دیدگاه آنان در زمینه مباحث فوق انجام داده‌اند، اما این مقاله به جای سخن گفتن از مسئولیت اخلاقی، غالباً از مسئولیت‌پذیری سخن می‌گوید و گاهی هم قید اخلاقی به آن اضافه می‌کند؛ اگر چه در عنوان از اصطلاح «مسئولیت اخلاقی» استفاده کرده است و این جای تأمل دارد که مسئولیت اخلاقی با مسئولیت‌پذیری مترادف انگاشته شده است. مباحث مطرح شده توسط ایشان آن‌چنان با معنای مصطلح مسئولیت اخلاقی که مبحثی پیچیده است، هماهنگی ندارد و مرز میان مسئولیت اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی به روشنی مشخص نیست.

نوآوری مقاله حاضر، جدید بودن و بداعت مسئله آن است که با توجه به پیشینه‌ای که برای آن بیان شد، به روشنی قابل تشخیص است؛ به این معنا که تا به حال هیچ اثر علمی به بیان چنین مسئله‌ای با تمرکز بر دیدگاه این سه اندیشمند معاصر نپرداخته است.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش به بیان معنا و مفهوم واژه «منشأ» و عبارت «مسئولیت اخلاقی» پرداخته می‌شود تا ابهاماتی که ممکن است در این زمینه به وجود آید، برطرف شود.

۱.۱. منشأ

به جهت ابهامی که در این واژه وجود دارد نیاز است که هم به صورت لغوی و هم از جهت اینکه در هم‌جواری با مسئولیت اخلاقی چه مفهومی باید مورد بررسی قرار گیرد.



۱.۱.۱. معنای لغوی منشأ

منشأ از ریشه «ن - ش - ا» است. این ریشه به معنای حدوث و تجدد (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۶۳) گرفته شده است؛ اگر چه برخی آن را به لازم معنای آنکه ارتفاع و بلندی باشد نیز معنا کرده‌اند (ابن فارس، بی تا، ج ۵، ص ۴۲۹). علامه مصطفوی، تعبیر «واحد» در تمام موارد این ماده را به جهت توجه به جنبه حدوث و امتداد آن می‌داند؛ نه به جهت تکوین و شروع و ایجاد خلقت (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۱۳۲) و این بر خلاف دیدگاه ر اغب اصفهانی است که این واژه را به معنای ایجاد چیزی با تربیت و رشد آن می‌داند و معتقد است آن را بیشتر در ایجاد حیات انسانی به کار می‌برند (ر اغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۰۷). اما درباره کلمه «منشأ» گفته شده که به معنای سبب چیزی است و آنچه آن چیز از آن باشد؛ چنانکه می‌گویند مبدأ آن است؛ چنانکه آن را جایگاه نشأ نیز گفته‌اند (مدنی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۱۴) و این گونه آن را اسم مکان دانسته‌اند.

آنچه از تعاریف فوق قابل برداشت است این که «منشأ»، سرچشمه شکل‌گیری هر چیزی است که افزون بر حدوث و ایجاد آن، در تکون و امتداد بودن آن مؤثر است و از ابتدا تا انتها با آن همراه است و در مسیر شدن، ممکن است تغییر و تکامل یابد.

۱.۱.۲. معنا و مفهوم منشأ در هم‌جواری با مسئولیت اخلاقی

مقصود از منشأ مسئولیت اخلاقی، منبعی است که پشتوانه‌ای برای الزام‌های اخلاقی به حساب می‌آید و به استناد آن می‌توان فاعل اخلاقی را به انجام فعلی اخلاقی یا ترک آن ملزم کرد. این منشأ در اخلاق دینی و اخلاق غیر دینی متفاوت است. برخی منشأ مسئولیت اخلاقی را به واقعی بودن گزاره‌های اخلاقی مرتبط می‌دانند. در اخلاق غیر دینی، این منشأ می‌تواند قرارداد اجتماعی باشد. بر اساس نظریه قراردادگرایان، توافق اجتماعی منشأ الزام اخلاقی است و وظایف اخلاقی از طریق قرارداد اجتماعی به دست می‌آید. برخی دیگر قوانین اخلاقی را مانند قوانین طبیعی می‌دانند و معتقدند همان‌طور که قوانین طبیعی بر جهان حاکم‌اند، الزامات اخلاقی نیز حاکم هستند (خواص و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷).

طرفداران نظریه الهی بودن حق - در مقابل گروه فوق - معتقدند تنها خداوند منشأ وظایف ماست و خداوند حق دارد که ما از او تبعیت کنیم که در این گروه مسیحیان با مسئله ده فرمان، اشاعره با حُسن و قُبْح شرعی اعمال و تعیین وظایف اخلاقی از سوی خداوند و شیعه با حساب آوردن خداوند در زمره عاقلانی که به افعال غیر اخلاقی حکم نمی‌کند (رابطه ضروری

موجود بین فعل اخلاقی و نتیجه حاصل از آن است، اما از آنجا که خداوند حقی بر انسان دارد، انسان وظیفه دارد تا با انجام فعل اخلاقی، غایت آن را تحقق بخشند) در این گروه می‌گنجند. در اخلاق دینی، منشأ مسئولیت اخلاقی به صورت مستقیم با دین ارتباط دارد. دراز می‌گوید:

در مورد فرد غیر مؤمن تنها یک منبع بیرونی مسئولیت را بر او تحمیل می‌کند، اما در مورد انسان مؤمن، امکان ندارد که یکی از دو نوع مسئولیت بدون دیگری به وجود آید؛ زیرا «ایمان» مستلزم شناخت خدایی است که شایسته اطاعت و در عین حال معبود است و از جهت دیگر، راه عینیت یافتن اخلاق، مانند اخلاق قرآن این است که هر نوع مسئولیتی از مسئولیت دینی نشئت بگیرد و دست‌کم پیامد آن باشد (دراز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶).

تفاوت منشأ مسئولیت در اخلاقی دینی و اخلاق غیر دینی این است که در اخلاق دینی به دلیل اینکه خداوند متعال مالک و صاحب اختیار تمام امور دانسته می‌شود و از سوی دیگر، عقل نیز به دلیل براهین خاص این سیطره الهی را می‌پذیرد، حق تمام و کمال برای مشخص کردن تکلیف و مسئولیت را به خداوند می‌دهد و اگر برای دیگران حقی قائل است، به تبع و در سایه این حق اصلی معنا پیدا می‌کند، اما در اخلاق غیر دینی با توجه به اصالتی که برای منابع مختلف قائل می‌شوند، حق تعیین مسئولیت اخلاقی را به صاحبان همان حقوق می‌دهند.

۲.۱. مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی از جمله واژگانی است که چندین معنا برای آن در نظر گرفته شده و اندیشمندان به تعاریف گوناگونی درباره آن پرداخته‌اند.

۱.۲.۱. معنای لغوی مسئولیت

این واژه مصدر جعلی از «مسئول» صیغه مفعول از ریشه سین، همزه و لام است. «سؤل» - به لحاظ لغوی - به یک اصل و ریشه برمی‌گردد (ابن فارس، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۴). راغب اصفهانی معتقد است مصدر سأل به معنای حاجتی است که نفس بر بدست آوردن آن بسیار حریص باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۷). «سأل» هم بنفسه متعدی می‌شود هم با «عن» و سؤال برای شناختن است که گاهی برای علم حاصل کردن به کار می‌رود و گاهی نیز به معنای کسی را با ملامت خاموش کردن است و در مواردی نیز سؤال برای شناختن فرد مسئول و تبیین کردن او



به کار می‌رود (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۳۲۳).

آیه الله مصباح یزدی درباره معنای مسئولیت یا مسئول بودن آن را به معنای خواسته شدن چیزی از کسی می‌داند و آن را مخصوص مواردی می‌داند که خواهان (سائل) بتواند خواسته خود را از خواننده (مسئول) پیگیری نماید و حداقل او را درباره رفتار مطابق یا مخالف خواسته خود و پیامدهای آن پاسخ‌گو دانسته، مورد سؤال و بازخواست قرار دهد و لازمه آن این است که مسئول متناسب با نوع رفتار خود، مورد تحسین یا تقبیح و در مواردی مورد تشویق یا تنبیه قرار گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۵-۱۵۶).

بعد از بیان معنای لغوی مسئولیت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، به نظر نویسنده اگر مسئولیت را واژه‌ای ملازم با سؤال بدانیم بهتر باشد؛ به این معنا که فرد مسئول کسی است که در قبال دیگری مورد سؤال قرار می‌گیرد و اینکه متعلق سؤال همان چیزی است که سائل، توانایی انجام آن را در مسئول دیده است و می‌داند که مسئول در شرایط طبیعی، می‌توانسته آن را آزادانه انتخاب کند و گرنه سؤال کردن درباره آن امری بی‌فایده یا بی‌خردانه فرض می‌شود. البته، این سؤال، جهت اطلاع یافتن نیست، بلکه سؤالی از سر پاسخ‌گویی است که مسئول را وامی‌دارد که از خود برای انجام یا عدم انجام رفتاری خاص دفاع کند.



۳۴

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم

شماره دوم

تابستان ۱۴۰۳

۱.۲.۲. معنای اصطلاحی مسئولیت اخلاقی

اصطلاح «مسئولیت اخلاقی» از جمله اصطلاحات پرچالشی است که همواره مورد توجه اندیشمندان حوزه فلسفه اخلاق بوده است. محمد جواد دانش - در کتاب و مقاله‌ای که با همین عنوان منتشر کرده است - به بیان و بررسی بسیاری از این نظرات می‌پردازد و بعد از آن دیدگاه خود را در بیان معنای مسئولیت اخلاقی این‌گونه بیان می‌کند. «دقیق‌ترین مفهوم معادل مسئولیت اخلاقی انسان برابر الزامات اخلاقی، همان «پاسخگویی» است؛ اگر چه گاه این مسئولیت حاکی از دین و تعهد اخلاقی شخص نیز هست» (دانش، ۱۴۰۲، ص ۵۲). برخی دیگر آن را به معنای اقرار فرد به افعال صادره از خود و آمادگی برای عهده‌دار شدن نتایج آن دانسته‌اند (بدوی، ۱۹۷۹م، ص ۲۲۲). دیلمی معتقد است مسئولیت اخلاقی، مسئولیت در مقابل پروردگار است و نتیجه آن مجازات یا کیفر آخری است؛ اعم از اینکه مسئولیت و کیفر دنیایی هم وجود داشته باشد یا خیر (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰، ص ۵۰). چنین اندیشمندانی در تعریف مسئولیت اخلاقی معانی مختلفی که ممکن است برای مسئولیت و به تبع آن مسئولیت اخلاقی - اعم از

مسئولیت در مقام اختیار و سلطه، مسئولیت در مقام علت، مسئولیت ناظر به قابلیت، مسئولیت مبتنی بر الزام - را با تعریف خاص آن نپذیرفته‌اند.

به جهت اینکه نوشتار حاضر در صدد بررسی دیدگاه سه اندیشمند مذکور است، به بیان معنای اصطلاحی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه آنها پرداخته می‌شود.

آیه الله مصباح یزدی، مسئولیت اخلاقی را در اصطلاح به معنای، در «معرض مجازات بودن» یا «مسئولیت در برابر خداوند که نتیجه آن مجازات و کیفر اخروی» است، می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰). از لوازم دیدگاه ایشان این است که فرد سائل توانایی پیگیری خواسته خود را داشته و مسئول نیز قابلیت آن را داشته باشد که مورد تحسین یا تقبیح سائل قرار گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۵-۱۵۶). ایشان با پذیرش مسئولیت اخلاقی انسان در برابر خداوند وجدان را به عنوان منشأ مسئولیت نمی‌پذیرد و معتقد است از آن جهت که واقعیت مستقلی به نام وجدان قابل اثبات نیست و وجدان در ظهورات خود فرقی با عقل ندارد، اصطلاحاتی مانند «عذاب وجدان» را نیز صرفاً به عنوان اصطلاحاتی شعری و ادبی می‌پذیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۹-۱۸۰).

از دیدگاه علامه جوادی آملی، مسئولیت اخلاقی انسان همان «مواخذه کردن» او به جهت کوتاهی کردنش در دستورات اخلاقی است که در روح او تعبیه شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۹۱). مقصود از تعبیه شدن در روح انسان، ایجاد زمینه اختیار توسط خداوند در وجود آدمی است که او را مستحق مسئولیت اخلاقی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۹۰). داشتن اختیار این امکان را به انسان می‌دهد که با صیانت و سیاست نفس، خود را در هلاکت گمراهی و ضلالت گرفتار نکند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳). انسانی که مسئولیت اخلاقی دارد چنان اخلاق خود را با ترازوی الهی می‌سنجد و با آن منطبق می‌کند که خودش عین ترازو می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۸۱). از نظر علامه جوادی، معیار داشتن مسئولیت اخلاقی در انسان داشتن عقل است و اگر کسی از این نعمت بی‌بهره باشد حتی اگر دیگر قوای او سالم باشد، مسئولیت درباره او معنایی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۵).

دراز در تبیین معنای مسئولیت اخلاقی آن را به مجرد تصمیم‌گیری بر مصلحت این طرف یا آن طرف تعریف می‌کند. او این نوع مسئولیت را معطوف به گذشته می‌داند؛ نه آینده. دلیل این انتخاب را این‌گونه بیان می‌کند که زمان شروع مسئولیت به لحاظ توانایی داشتن برای عمل اخلاقی مهم است؛ زیرا مسئولیت به آن لحاظ است که ما انجام‌دهنده یک کار تمام و کامل هستیم و مسئولیت نتیجه فعل را به همراه دارد. این ویژگی در مسئولیت اخلاقی که وقتی فردی از



وظیفه خود سرپیچی می‌کند، باید دلایل خود را بازگو کند؛ نشان‌دهنده این است که فرد از نخستین لحظه‌های مسئولیت، احساس می‌کند که توانایی بر انجام عمل را دارد، اما در لحظات بعد دیگر با نرمش و فروتنی مورد بازخواست نیست، بلکه از این به بعد مسئولیت او الزامی و «واجب» خواهد بود (دراز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴). این نویسنده برای قائل شدن به مسئولیت اخلاقی در فرد، دو مرحله را در نظر می‌گیرد که اولی غیر الزامی و دومی الزامی است.

این سه اندیشمند مسلمان با مبنا قرار دادن مسئولیت در برابر خداوند، به‌نوعی مسئولیت اخلاقی را مرتبط با حوزه دین معنا کرده‌اند. در بیان تفاوت دیدگاه آنان باید گفت که از نگاه دراز، مسئولیت اخلاقی ناظر به گذشته است و آن را ناظر به توانایی مسئول اخلاقی در عهده‌داری مسئولیت می‌داند، اما آیه الله مصباح یزدی و جوادی آملی با قبول مجازات و مؤاخذه برای مسئول در صورت ترک آنچه بر عهده‌اش قرار گرفته، مدافع مسئولیت اخلاقی ناظر به آینده هستند.

بنابراین، مسئولیت اخلاقی، مسئولیتی است که از درون فرد برمی‌خیزد و داشتن چنین مسئولیتی فرع بر این است که آن فرد خودش با سبک و سنگین کردن مسئله‌ای که در برابر آن مسئول است، در نهایت، می‌پذیرد که باید فعل اخلاقی را انجام دهد یا ترک کند. به این معنا که الزام بیرونی در صورتی مؤثر است که فرد خودش از درون پذیرای این مسئولیت باشد. البته، فردی که خود را به این نوع مسئولیت ملزم می‌کند پیش از آن باید به نیرویی قاهر که می‌تواند خدا یا الزام اجتماعی یا ... باشد اعتقاد داشته باشد و او را شایسته پاسخ‌گویی بداند.

۱.۳. تمایز مسئولیت دینی و مسئولیت اخلاقی

مسئولیت دینی به معنای، هر مسئولیتی است که یک فرد دیندار به دلیل دیندار بودن در برابر خود، خداوند، جامعه یا محیط زیست دارد. در ادیان گوناگون این مسئولیت با توجه به آموزه‌های و مستندات آن دین ممکن است، متفاوت با ادیان دیگر باشد.

اگر پرسیده شود که چه تفاوتی میان مسئولیت دینی و مسئولیت اخلاقی وجود دارد؟ در بیان تمایز میان این دو مسئولیت باید گفت:

۱. مسئولیت دینی از جهت قلمرو با مسئولیت اخلاقی متمایز می‌شود؛ به این معنا که قلمرو مسئولیت دینی، افزون بر مسئولیت اخلاقی، مسئولیت فقهی، مسئولیت حقوقی و مدنی و مسئولیت شرعی به معنای التزام به احکام و دستورات شرعی را نیز در بر می‌گیرد.

۲. مسئولیت دینی - در معنای عام و مطلق آن - اگر چه با شرط اختیار ملازم است، اما چالش‌های پر دامنه‌ای را که مسئولیت اخلاقی در رابطه با اراده آزاد، علم پیشین الهی و موجوبیت علی به خود دیده است، را بر نمی‌تابد.

۳. در مسئولیت دینی، شناخت تکالیف و مسئولیت‌ها منوط و محتاج به شناخت و پذیرش موجودی به نام خداست و همین پیش فرض است که موجب شده مسئولیت دینی، اصل را بر مسئولیت انسان نسبت به خدا بدانند و مسئولیتش نسبت به خود و دیگران و محیط زیست - که در اخلاق غیر دینی به عنوان سه حوزه اخلاق شمرده می‌شود - فرع بر مسئولیت نسبت به خدا باشد، اما مسئولیت اخلاقی این گونه نیست. به عنوان نمونه اخلاق و وظیفه رایانه کانت است که محرک نهایی «تکلیف» را فی حد ذاته می‌داند و با مراجعه به عقل عملی آن را بی‌نیاز از خدا می‌داند و نقش خدا را نه به عنوان یک واضع تکلیف، بلکه یک سر مشق می‌داند که تنها به درد تشویق می‌خورد (کانت، ۱۳۹۴، ص ۶۰-۵۹).



۴. برخی دیدگاه‌ها درباره مسئولیت اخلاقی فارغ از نگاه دینی، تأثیر زمینه‌های اجتماعی، محیطی، روانی و ژنتیکی را بر عملکرد انسان چنان فرض می‌گیرد که او را فاعل آزاد و مختار نمی‌داند و این گونه مسئولیت را از او سلب می‌کند، اما در نگاه دینی، انسان به دلیل داشتن اختیار کاملاً مسئول است و به تبع داشتن مسئولیت به صورت مطلق، مسئولیت اخلاقی هم دارد.

۵. در مسئولیت دینی ضمانت اجرا، پذیرش و اعتقاد به مبدأ و معاد است، اما در مسئولیت اخلاقی ضمانت اجرا اموری همچون پذیرش فردی یا جمعی، عقل است که به عنوان اصل قرار می‌گیرد که در مقایسه با مسئولیت دینی ضمانت اجرای ضعیف‌تری است.

۶. مسئولیت دینی گاه در ظاهر با مسئولیت اخلاقی تضاد و تنافر دارد. چنانکه در ماجرای دستور ذبح حضرت اسماعیل (ع) توسط حضرت ابراهیم (ع) یک مسئولیت دینی بر گردن نبی خداست که در مسئولیت اخلاقی مستقل از دین یا مخالف با دین قابل پذیرش نیست.

۲. وجوه منشأ مسئولیت اخلاقی در نظام اخلاقی اسلام

با توجه به معانی که سه اندیشمند معاصر (آیه الله مصباح یزدی، آیه الله جوادی آملی و محمد عبدالله دراز) از مسئولیت اخلاقی داشته‌اند، در این قسمت به بررسی دیدگاه آنها پرداخته می‌شود و در پایان، نگاه نویسنده مقاله در این زمینه بیان می‌گردد.

۲.۱. مسئولیت اخلاقی توحیدمحورانه

این دیدگاه، مسئولیت اصیل انسانی را برخاسته از مالکیت خداوند می‌داند که از جهان‌بینی توحیدی انسان سرچشمه می‌گیرد و از مهم‌ترین طرفداران این دیدگاه آیه الله مصباح یزدی است.

۲.۱.۱. خاستگاه مسئولیت اخلاقی توحیدمحورانه

مالکیت حقیقی خداوند، به عنوان محوری‌ترین اصل این دیدگاه مطرح است. کسی که همه چیز را از خداوند می‌داند و آنها را برای او به سوی او فرض می‌کند و معتقد است انسان هیچ استقلالی از خود ندارد و تمام نعمت‌هایی که به او داده شده - اعم از آنچه در روح و جسم او قرار دارد و حتی قوای روحی و کیفیات نفسانی، قوای بدنی، چشم و گوش و اندام‌ها، خانه و زندگی و همسر و فرزند - مال و ملک خداست؛ تصرف خود در این نعمت‌ها را تصرف در مال دیگری می‌داند و به همین دلیل است که طبعاً در مقابل آن احساس مسئولیت می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۷).

بر اساس این دیدگاه، نعمت‌های الهی در دست انسان امانتی است که باید در برابر امانت‌گذار که خداوند متعال است، پاسخ‌گو باشد. در پرتو این مسئولیت است که به صورت فرعی مسئولیت‌هایی نیز برای دیگران مطرح می‌شود که در شعاع همان مسئولیت اولیه و اصیل قرار دارد. در قرآن کریم نیز اطاعت از ولی خدا فرع بر ولایت الهی است. از امام صادق (ع) نقل شده است که در تفسیر آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (سوره تکوین، آیه ۸) فرمودند: «أَيُّ عَنُ وَلَايَتِنَا»، یعنی از ولایت ما مورد سؤال واقع می‌شوید (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۸۳)؛ به این معنا که مسئولیت انسان در قبال ولی خدا نیز از مسئولیتش در قبال خداوند منشأ می‌گیرد.

۲.۱.۲. دیدگاه حامیان مسئولیت اخلاقی توحیدمحورانه

برای تبیین درست این دیدگاه، لازم است تعریف مفاهیم اخلاقی و سپس رابطه آن با کمال‌نهایی انسان بررسی شود.

علامه مصباح یزدی، قوام مفاهیم اخلاقی را به ارزش ذاتی که این مفاهیم دارند، نسبت می‌دهد و آن را تابع امر و تکلیف نمی‌داند؛ به این معنا که انسان با انجام فعلی که واجد ارزش است یک ارزش انسانی پیدا می‌کند و نفس او به کمال می‌رسد و سبب نزدیکی‌اش به خدا می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰). اگر چنین انگیزه‌ای، بدون توجه به امر و تکلیف در انجام کار



خوب وجود داشته باشد، می‌توان آن را مفهومی اخلاقی قلمداد کرد. در مرحله بعد معنای خیر و شر اخلاقی معنای درست خود را باز می‌یابد. کاری که با نتیجه مطلوب انسان، رابطه مثبت دارد و سبب کمال نهایی انسان می‌شود، خوب یا خیر تلقی شده و در نقطه مقابل آن کاری که رابطه منفی با کمال نهایی انسان دارد، شر یا بد نامیده می‌شود. بر اساس مطالب بیان شده، مفهوم مسئولیت که رابطه مستقیمی با تکلیف و امر دارد از مقومات اخلاقی نیست (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۷).

وقتی مفهوم مسئولیت از مقومات اخلاقی نباشد و ربطی هم به مسئله اخلاق نداشته باشد، لازم است پشتمانه‌ای دیگر برای آن در نظر گرفت و آن همان پشتمانه‌ای اعتقادی است که برگرفته از جهان بینی توحیدی و مالک دانستن بی‌چون و چرای خداوند در عالم کون و مکان است.

تنها در صورتی می‌توان مسئولیت را به اخلاق مرتبط دانست که اخلاق ارزش‌هایی دانست که انسان معتقد به آن، با از دست دادنش ناراحت می‌شود مثل اینکه یک نیروی درونی او را وادار می‌کند که برود آنها را کسب کند یا وقتی آن را کسب نمی‌کند او را نکوهش می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲)، اما آن یک مسئله خارجی و عینی نیست، بلکه می‌توان آن را این‌گونه در نظر گرفت.

از سوی دیگر، در بیان رابطه میان مسئولیت و جزای ناشی از آن، آن را رابطه‌ای اعتباری می‌داند که مبتنی بر حقایق نفس الامری است. منظور از این بیان، بینش فلسفی است که از یک نظام اعتباری سرچشمه می‌گیرد. به این معنا که خود تکلیف امری اعتباری است بعد هم جزایی که بر آن مترتب می‌شود نیز امری اعتباری است. این جزا می‌تواند از نوع کیفر باشد که به جهت عدم امتثال از سائل صورت گیرد یا در شکل پاداش به جهت اطاعتش برای او مشخص شود، ولی همین اعتبارها می‌تواند بر اساس واقعیت‌هایی باشند که حکایت از حقایقی دارند و در نتیجه، مسئولیت‌های ناشی از آن نیز واقعی قلمداد شوند، یعنی همان تأثیری که در نفس انسان ایجاد کرده، در عالم دیگری به صورت نعمت‌های آخروی یا عذاب ظهور پیدا کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۳). چنان که آیات قرآن بیان می‌دارد رابطه میان اعمال انسان و ثواب و عقاب ناشی از آن، رابطه‌ای تکوینی و واقعی است و افعال انسانی در حقیقت چنین نتایجی را به دنبال می‌آورند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

يَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (سوره كهف، آیه ۴۹)؛ می‌گویند: ای وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ (عمل) کوچک و بزرگی را فرونگذاشته، مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و آنچه را انجام داده‌اند، حاضر می‌یابند؛ و پروردگارت به



هیچ کس ستم نمی کند.

اصول چندگانه (۱) مالکیت حقیقی خداوند بر تمام وجود انسان؛ (۲) تأثیر مستقیم افعال انسانی بر کمال یافتن او؛ (۳) مسئولیت را از مفاهیم اخلاقی فرض نکردن، ایجاد کننده نوعی رابطه اعتباری و در عین حال، نفس الامری میان مسئولیت و جزای ناشی از آن می شود.

بنابراین - از دیدگاه این اندیشمند - منشأ مسئولیت اخلاقی انسان نسبت به خداوند، فقر ذاتی انسان نسبت به وجود خداوند است که از دیدگاه ملاصدرا نیز در بحث اصالت وجود به نیکی تبیین شده است (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۵-۳۶). به این معنا که چون تمام هستی انسان بدو و استداماً متعلق به خداوند متعال است و انسان هیچ داشته‌ای از خود ندارد و خداوند همه هستی را به او بخشیده است، در برابر خداوند مسئول است و این مسئولیت از پایه‌ای اعتقادی سرچشمه می گیرد. می توان گفت ایشان اصطلاح «مسئولیت اخلاقی» را به معنای مصطلح آن نمی پذیرد و در باب مطلق مسئولیت نیز رابطه میان مسئولیت و جزای ناشی از آن را نوعی رابطه اعتباری و نفس الامری قلمداد می کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۳).



۴۰

۲.۲. مسئولیت اخلاقی خلیفه مدارانه

بر اساس این دیدگاه، انسان خلیفه خداوند در زمین است و درک درست چنین دیدگاهی می تواند انسان را مسئول اخلاقی افعالش گرداند. مهم ترین طرفدار این دیدگاه آیه الله جوادی آملی است.

۲.۲.۱. خاستگاه مسئولیت اخلاقی خلیفه مدارانه

بر اساس آموزه های اسلام و نص صریح قرآن کریم (سوره بقره، آیه ۳۰)، انسان خلیفه و جانشین خداوند در زمین معرفی شده است. جانشینی انسان در زمین به معنای جانشینی مادی و جسمی نیست؛ زیرا خداوند ماده و جسم نیست تا انسان بخواهد از این جهت جانشین او باشد، بلکه جانشینی خداوند جانشینی از جهت صفات و ویژگی هاست. انسان از جهت صفات است که می تواند متّصف به صفات خداوند شود. این صفات - چه در بُعد سلبی و چه در بُعد ایجابی - می تواند مطرح شود. مانند اینکه انسان نسبت به مسلمانان و هم کیشان خود و بندگان خدا مهربان و رؤوف است، اما نسبت به ظالمان و کفار با شدّت و بدون رأفت رفتار می کند (سوره فتح، آیه ۲۹).

در روایت معصومین (ع) وارد شده است که آن بزرگواران، خود را جانشینان بحق خداوند در

زمین معرفی کرده‌اند؛ چنانکه امیر المومنین علی (ع) می‌فرماید:

أنا و الحسن و الحسين و تسعة من ولد الحسن (ع) خلفاء الله في أرضه و أمانة علي و حيه و أئمة المسلمين بعد نبيه و حجج الله على بريته: من حسن و حسين و نه فرزند از نسل حسین (ع) جانشینان خدا در زمین او هستیم و امینان بر وحی اش و پیشوای مسلمانان پس از پیامبرش و حجّت‌های الهی بر بندگان (ابن شاذان، ۱۴۰۷، ص ۵۹).

این روایت بیان می‌کند که اهل بیت (ع) جانشینان خداوند به صورت اتم و اکمل هستند و صفات خداوند را با نهایت درجه خود، در وجودشان به فعلیت رسانده‌اند، اما انسان‌های دیگر نیز هر کدام در سطح توانایی و امکاناتشان چنین تلاشی داشته‌اند، اگر چه هیچ‌کس به پایه معصومین (ع) نمی‌رسد، امام رضا (ع) می‌فرماید: «الائمة خلفاء الله في أرضه: امامان، جانشینان خداوند در زمین هستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۳).

بالاترین نمود خلیفه الهی در زمین مسئول بودن است. کسی که جانشین فرد دیگری می‌گردد باید همواره خود را در برابر مخلف مسئول بداند؛ به این معنا که شانه از زیر بار مسئولیتی که بر عهده‌اش گذارده‌اند، خالی نکند و مسئولیت اخلاقی در کنار مسئولیت‌های دیگر یکی از وجوه مسئولیت است که مخلف علیه باید به آن ملزم باشد.

۲.۲.۲ دیدگاه حامیان مسئولیت اخلاقی خلیفه‌مداران

بر اساس این دیدگاه منشأ مسئولیت در انسان برخاسته از رابطه‌ای خاص میان خداوند به عنوان مستخلف و انسان به عنوان خلیفه است. این نظریه - بر خلاف دیدگاه فوق که از مالکیت خداوند نسبت به انسان سرچشمه می‌گرفت و برای انسان جایگاهی جز فقر ذاتی و تعلق محض قائل نبود - بر رابطه‌ای دوطرفه میان خالق و مخلوق استوار است؛ به این معنا که خداوند به عنوان خلیفه‌گذار مقام خلافت را به انسان افاضه می‌کند و انسان نیز به عنوان خلیفه خداوند در زمین مسئول است تا نماینده‌ای خوب و شایسته برای مستخلف باشد. این نوع تحلیل از منشأ مسئولیت اخلاقی نسبت به دیدگاه قبلی پویاتر است.

انسانی که خود را خلیفه خداوند در روی زمین می‌داند، تمام جهت‌گیری‌های خود - اعم از سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی - را بر اساس همین تفکر تنظیم می‌کند؛ اگر چه خلفای الهی در معنای خاص، تنها مخصوص گروهی از انسان‌هاست و روایات نیز بر آن صحنه می‌گذارند. «نحن خلفاء الله في عباده: ما جانشینان خدا در بین بندگان هستیم» (علوی عاملی،



۱۴۲۷، ص ۳۳۵). اگر چه از دیدگاه آیه الله جوادی آملی، خلافت حقیقتی تشکیکی است که مراتب گوناگونی دارد و کامل ترین آن در صادر اول ظهور می یابد و انسان های صالح دیگر، با توجه به مرتبه وجودی شان، مراحل متوسط یا نازل را واجد هستند، اما با نگاه دیگر می توان همگان را به منزله سلسله منسجم و یکتای خلافت الهی دانست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۱۹).

خلیفه خدا در زمین، کرامت مدارانه برخورد می کند و این ویژگی در تمام رفتارهایش نمود دارد. بر آن خداوند را مستخلف دانسته و در تمام جهت گیری هایش خداوند را حاضر و ناظر بر خود می بیند (سوره احزاب، آیه ۵۲)؛ چنانکه به اعتقاد آیه الله جوادی، «خلیفه باید حتماً به خود و مسئولیت خویش و مستخلف علیهم و شئون آنان را ببیند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۰).

در ارتباط با انسان های دیگر نیز به جهت قائل شدن به عزت و کرامتی که دارند همواره با نهایت مسئولیت در بُعد اخلاقی برخورد می کند و نهایت مراقبت در رفتارهایش دارد. چنین انسانی با این دید گسترده به عالم، حتی حیوانات و جمادات و حیوانات را نیز با نگاهی ویژه مورد توجه قرار می دهد و آنها را به این جهت که آفریده های خدا هستند، در نهایت صلح و امنیت مورد تققد و مهربانی قرار می دهد. این اندیشمند مسلمان، حسن معاشرت هر شهروند در مدینه فاضله را بر اساس مسئولیت او می داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳).

آیه الله جوادی آملی در تبیین این دیدگاه بیان می کند:

انسانی که خود را خلیفه خدا می داند برای همه موجودات ارزش ویژه قائل است و هیچ کدام از آنها را ناروا به کار نمی گیرد و هیچ چیز را نکوهش نمی کند و برای همه احترام ویژه قائل است و هرگز زشتی و زیبایی اشخاص و اشیاء را برمدار حُسن و قُبُح انسان نمی سنجد و خود یا دیگر افراد بشر را ترازوی سنجش نقص و کمال همه موجودات نمی داند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ۱۳۹۵، ص ۳۷).

همین معنا در نظام اخلاقی اسلام است که موجب می شود رابطه او با تمام موجودات عالم تغییر می کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۶۹۷). از دیدگاه آیه الله جوادی آملی، اگر چنین استعدادی در انسان نهادینه شود در پرتو آن می تواند عالم و آدم را بیاراید و در سایه آن نسبت به موجودات دیگر از حسن زائد بهره می برد که مخلوق های دیگر فاقد آن هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۰).

نهادینه شدن این تفکر و یکدست دیدن جهان که همگی بر محور وجود متعالی خداوند می چرخد، موجب می شود انسان نسبت به هر چیزی در عالم خلقت مسئولیتی عمیق احساس کند که نه از سر زور یا اجبار قانونی یا فقهی و مدنی بر او مستولی شده، بلکه به دلیل رابطه

خاصی که هر موجود با ذات ذی جود خداوند دارد، سنجیده می‌شود. چنانکه آیه الله جوادی آملی در جای دیگری می‌فرماید: «جامعه حق مدار هیچ موجودی را بدون روح حاکم بر آن، یعنی حقیقت که ظهور حق مطلق است، بررسی نمی‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶).
 بر اساس این دیدگاه، کسی که خود را خلیفه خداوند در زمین می‌داند مسئولانه‌ترین نگاه اخلاقی را به خود و موجودات دیگر دارد و از آن جهت که خود را خلیفه خدا در زمین می‌داند، در برابر فرمان‌های اخلاقی او، نهایت درجه مسئولیت اخلاقی را در خود احساس کرده و خود را کاملاً مسئول تلقی می‌کند.

۲.۳. مسئولیت اخلاقی پذیرش مدارانه

«اختیار» یکی از شروط اساسی در بحث مسئولیت اخلاقی است. پذیرش انسان ریشه در اختیار او دارد. «اراده آزاد» تعبیر دیگری است که برای شرط اختیار در مباحث مسئولیت اخلاقی مطرح می‌گردد؛ به رغم آنکه دو دیدگاه دیگر نیز شرط اختیار را برای مسئولیت اخلاقی پذیرفته‌اند، اما در این دیدگاه نقش اختیار و پذیرش درونی انسان نسبت به دو دیدگاه پیشین پررنگ‌تر است و به‌روشنی تبیین شده است.

۲.۳.۱. خاستگاه مسئولیت اخلاقی پذیرش مدارانه

شرط «اختیار» در ابتدا از سوی سقراط - نامی‌ترین فیلسوف یونان باستان - بیان شد. اعتقاد یونانیان به تقدیر را می‌توان در آثاری مانند جمهور - نوشته افلاطون - نیز یافت. افلاطون اصل تقدیر را نه با قرائت جبرگرایانه، بلکه با این اعتقاد که ارواح انسانی پیش از خلقت مورد خطاب خدایان قرار گرفتند و خودشان سرنوشت خود را پذیرفته‌اند، مورد توجه قرار داده است. ارسطو نیز از مدافعان نظریه اختیار بود و بر این مبنا کتاب اخلاق نیکوماخوس را نوشت. افزون بر آن، «پلاگیوس» تأکید می‌ورزید که انسان از اراده مختار برخوردار است به این اعتبار که قدرت «انتخاب مخالف» را دارد. این قدرت، ارتکاب گناه را برای انسان‌ها، ممکن می‌سازد» (ریچارد برنت و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۲۱).

در دنیای اسلام نیز این مسئله به شکل جدال بین جبر و اختیار، از قرن اول و دوم شکل گرفت. این جدال با اختلاف میان حسن بصری و ابراهیم نظام به شکل‌گیری فرقه معتزله انجامید و



از سوی دیگر، زمینه ایجاد فرقه اشاعره را ایجاد کرد (مطهری، بی تا، ج ۱، ص ۱۷). در دنیای غرب نیز همین حرکت از پیدایش کلیسا تا پایان سیطره آن در اواخر قرون وسطی ادامه داشت و بعد از پایان این دوران و شروع موج عقل‌گرایی به شکلی دیگر خود را نشان داد (کابستون، بی تا، ج ۴، ص ۲۷-۳۷). بنابراین، اصل اختیار و پذیرش انسانی همواره از سوی اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان مورد توجه بوده و زمینه چالش‌های پر دامنه‌ای در باب مسئولیت اخلاقی فراهم آورده است.

۲.۳.۲. دیدگاه حامیان مسئولیت اخلاقی پذیرش مدارانه

بر اساس دیدگاه مسئولیت اخلاقی پذیرش مدارانه - که از سوی عبدالله دراز مطرح شده است - انسان اگر چه از سوی خداوند مسئول است، اما این مسئولیت در صورتی که از سوی انسان مورد پذیرش قرار گیرد، مسئولیت اخلاقی است. بر این اساس، شرط «اختیار» از مهم‌ترین اصولی است که در دیدگاه او درخور بررسی است؛ اگر چه انسان در درون خود این شرط را به صورت ابتدایی درک می‌کند و درمی‌یابد که اختیار و اراده انجام افعال را دارد و نسبت به آنها مسئول است، برای مثال، نسبت به پدر و مادر مسئول است، اما این مسئولیت آن نوعی نیست که انسان را برای انجام آن کار آماده نماید و کافی باشد که انسان را در برابر افعالش مسئول دانست، بلکه در صورتی که انسان آن مسئولیت را بپسندد و آن را طالب و پذیرا باشد و خود را ملزم به نتیجه آن نماید، می‌توان گفت او در برابر آن فعل مسئول است (دراز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵).

او به دو مرحله یا دو گونه مسئولیت معتقد است که یکی «مسئولیت طبیعی» و دیگری «مسئولیت اخلاقی» است. او «مسئولیت طبیعی» را یک استعداد فطری می‌داند که برای تمامی افراد از یک نوع قابل تصور است (دراز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۱). در این مرحله هر فرد تنها شایستگی مسئولیت را دارد مانند مسئولیت پدری یا مادری که برای هر زن یا مردی قابل تصور است. مرحله دوم که از آن به «مسئولیت اخلاقی» تعبیر می‌کند، از لحظه‌ای آغاز می‌شود که فرد آن را بپسندد (دراز، ۱۴۲۳، ص ۲۴۴-۲۴۶) و برای تحقق آن تصمیم بگیرد. این تصمیم موجب مبادرت فردی او می‌گردد. از نظر دراز، انسان کسی است که با دخالت ارادی خود را مسئول می‌گرداند؛ زیرا اگر اراده نداشت و مسئول نبود، همچنان آزاد بود و می‌توانست که آن عمل را انجام بدهد یا مهمل گذارد.

او تحمیل یک مسئولیت از سوی دیگران را در صورتی ایجاب‌کننده «مسئولیت اخلاقی» برای فاعل اخلاقی می‌داند که آن را بپذیرد. در این صورت، به مجرد پذیرش به صورت مطالبی درمی‌آید که از خود او صادر شده است. او یکی از ملزومات دیدگاه خود را بحث از مسئولیت

ناظر به گذشته و مسئولیت ناظر به آینده می‌داند و بر اساس آن، به مجرد تصمیم‌گیری بر انتخاب یک طرف نسبت به دیگری، مسئولیت ما متوجه آینده نخواهد بود؛ زیرا هنوز عملی منشعب از آن تصمیم رخ نداده است، اما مسئولیت ناظر به گذشته به وجود می‌آید. تعبیر او این‌گونه است:

ما از آن زمان مسئولیم، نه به لحاظ این‌که ما توانایی کار را داریم، بلکه از آن جهت که ما انجام‌دهنده کار هستیم، یعنی این‌که مسئولیت نتیجه کار را به همراه دارد (دراز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴).

او در مورد یک فرد مؤمن «مسئولیت دینی» و «مسئولیت اخلاقی» را درهم‌تنیده می‌داند و معتقد است که یکی از این دو بدون دیگری شکل نمی‌گیرد و می‌گوید:

چون ایمان مستلزم شناخت خدایی است که شایسته اطاعت است و همان خدا هم هست که در عین حال دوست‌داشتنی و معبود قرار می‌گیرد (دراز، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵).



۴۵

مقایسه تحلیلی دیدگاه سه اندیشمند معاصر با محوریت منشأ مسئولیت اخلاقی انسان

از دیدگاه دراز، هردوی این مسئولیت‌ها برای یک فرد مؤمن درونی است، اما در مورد فرد غیر مؤمن، مسئولیت از بیرون ذات بر او واجب می‌شود و مسئولیت او از وجدان خاصش صادر نمی‌گردد. این نویسنده حتی «مسئولیت اجتماعی» را با دو مسئولیت بیان‌شده، مرتبط می‌داند و با اشاره به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره انفال، آیه ۲۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و فرستاده [او] خیانت نکنید؛ و (نیز) در امانت‌هایتان خیانت نورزید، درحالی‌که شما می‌دانید، بیان می‌کند که میان این سه نوع مسئولیت در اخلاق قرآنی گسستگی وجود ندارد و این سه رابطه‌ای چندگانه با یک‌دیگر دارند و در تایید دیدگاه خود، به آیاتی استناد می‌کند که بعد از دستور دادن به مؤمنان درباره اطاعت خود، در کنار بازگو کردن فرمان الهی پیمان خود را به آنها خاطر نشان می‌کند «وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ (سوره حدید، آیه ۸)؛ و به یقین (به‌وسیله فطرت و خرد) از شما پیمان محکم گرفته است». منظور این است که اطاعت خداوند که دستوری دینی است در کنار میثاق‌های فطری که از انسان گرفته شده و مسئله‌ای اخلاقی است قرار می‌گیرد و این اطاعت باید با پذیرشی درونی از سوی فرد همراه باشد تا بتواند پشتوانه‌ای برای مسئولیت اخلاقی قرار گیرد (دراز، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷-۲۵۰).

به این ترتیب، عبدالله دراز به عنوان نماینده طرفداران دیدگاه پذیرش مدارانه، به‌گونه‌ای چالش مطرح شده در زمینه اراده آزاد و جبر علی‌ناشی از قضا و قدر الهی را این‌گونه حل می‌کنند که اگر چه خداوند بر هر چیز سیطره دارد و اراده او حتماً انجام‌شدنی است (سوره نساء، آیه ۴۷)، اما در

عالم ثبوت و دنیای خارجی، این پذیرش انسان است که او را مسئول افعال اخلاقی اش می‌گرداند؛ اگر چه این به معنای بی‌اعتنا بودن دو دیدگاه دیگر نسبت به این چالش‌ها نیست و آنها نیز در جای خود به این مسئله پرداخته‌اند. دلیل تأکید نویسنده بر شرط اختیار در این دیدگاه، تبیین متفاوت دراز در مبحث اختیار است که به این شکل در دیدگاه‌های دیگر دیده نشده است.

۳. دیدگاه برگزیده برای مسئله مسئولیت اخلاقی

از دو جنبه می‌توان دیدگاه‌های موجود در زمینه مسئولیت اخلاقی را در بوته سنجش قرارداد. یکی از جهت پاسخ‌گویی به شبهات موجود و به‌ویژه شبهاتی که در رابطه میان مسئولیت اخلاقی و اراده آزاد بحث می‌کند که در این زمینه، مسئولیت اخلاقی پذیرش‌مدارانه به نحوی متفاوت، پاسخ‌گویی شبهات است و همین تفاوت بوده که نویسنده مقاله را علاقه‌مند به پرداختن این مسئله کرده است، اما اگر دیدگاه آیه الله مصباح یزدی نیز مورد بررسی قرار گیرد، ایشان نیز به نحو شایسته‌ای پاسخ‌های درخوری برای این شبهات دارند.

دراز با برشمردن دو مرحله از مسئولیت که یکی ابتدایی و غیر کافی و دیگری پایانی و ایجاب‌کننده مسئولیت اخلاقی است، جایگاه اختیار بشر و مقدرات الهی را مشخص کرد و پذیرش انسان را شرط نهایی مسئول اخلاقی بودن انسان قلمداد کرد، اما در زمینه کاربرد مسئولیت اخلاقی در ارتقای اخلاق بشری، دیدگاه خلیفه‌مدارانه مناسب‌تر است؛ زیرا مفهوم «خلیفه الله» بهتر می‌تواند نظر اسلام را درباره مسئولیت اخلاقی منعکس کند و پشتوانه قوی‌تری برای مسئولیت اخلاقی باشد؛ زیرا اگر انسان‌ها جایگاه واقعی خود را به عنوان خلیفه الهی درک کنند، روند اخلاقی شدن جامعه تسهیل می‌گردد. اگر چه تا رسیدن به نقطه مطلوب در این زمینه، مسیری طولانی در پیش داریم و وجدان انسانی نیز - اگر آن را پذیرفته باشیم^۱ - پرورش و توجه به الهامات آن نیز می‌تواند در ارتقای اخلاقی جامعه مؤثر باشد.

اگر چه انسان به جهت درک و فهم درونی از مسئولیت اخلاقی خود در مقابل وجدانش آگاه است، اما در مقام بالاتر و در مرتبه‌ای عمیق‌تر در مقابل خداوند متعال مسئول است و اگر چه پاداش یا عقوبت آخروی هم متصور نباشد، باز هم این مقدار از پاسخ‌گویی در مقابل وجدان و

۱. آیه الله مصباح یزدی حقیقتی به نام «وجدان» را قبول ندارند و آن را همان ادراکات عقلی می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۹-۱۸۰)

خداوند می‌تواند ضمانت اجرای مناسبی باشد؛ اگر چه در برخی مراتب، توجه به پاداش و عقاب اخروی یا اجتماعی هم می‌تواند در التزام انسان کارساز باشد.

علاوه بر این، اگر برتری دیدگاه خلیفه‌محورانه را بپذیریم، می‌تواند پاسخ‌گوی برخی چالش‌ها در زمینه مسئولیت اخلاقی انسان نسبت به افعال جوانحی نیز باشد؛ زیرا کسی که می‌خواهد خلیفه خدا در روی زمین باشد باید تمام افعال و صفات خود - اعم از صفات درونی و صفات بیرونی - را متناسب با مستخلف گرداند تا در زمان پاسخ‌گویی و تطابق میان افعال و اعمال مستخلف و خلیفه، سنجش به‌درستی صورت گرفته باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در اخلاق اسلامی معاصر، مسئله مسئولیت اخلاقی مورد توجه اندیشمندان معاصر قرار گرفته است و همه آنها بر این امر اتفاق نظر دارند که سائل اخلاقی یا به عبارت دیگر، تنها قوه قاهره‌ای که حق بازخواست از انسان در امور اخلاقی را دارد، خداوند متعال است، اما میان آنها در تحلیل این منشأ بودن، تفاوت‌هایی وجود دارد که آن هم به تمرکز بیشتر هر یک از آنان بر شروط مسئولیت اخلاقی، صفات خاص الهی و رابطه دوطرفه خداوند و انسان در این مسئله مربوط می‌شود. آیه الله مصباح یزدی - در تحلیل دیدگاه خود تحت عنوان دیدگاه توحیدمحورانه - بر نقش مالک حقیقی بودن خداوند تأکید کرده و با اینکه مسئولیت اخلاقی را به عنوان یک وجه از مسئولیت به‌صراحت نمی‌پذیرد، اما میان مسئولیت و جزای آن رابطه‌ای اعتباری و در عین حال نفس‌الامری را که به‌گونه‌ای می‌تواند به تمام انواع مسئولیت سرایت کند، قبول دارد. آیه الله جوادی آملی - در تحلیل دیدگاه خلیفه‌مدارانه - خلیفه بودن انسان را مدار اصلی مسئولیت اخلاقی آدمی نسبت به خداوند می‌داند و معتقد است به دلیل اینکه خداوند مستخلف است به صورت اتم و اکمل حق دارد که از خلیفه خود در تمام زمینه‌ها و از جمله مسئولیت اخلاقی پاسخ مناسب و درخور بخواهد و او را مورد بازخواست قرار دهد.

عبدالله دراز، به عنوان اندیشمند سومی که دیدگاه پذیرش مدارانه دارد با تکیه بر شرط مهم و پرچالش اختیار، منشأ مسئولیت اخلاقی انسان را اگر چه خداوند می‌داند، اما آن را منوط به پذیرشی می‌گرداند که از سوی مسئول‌عنه وجود دارد. دیدگاه اخیر به دلیل اینکه بر محور اختیار انسان دور می‌زند و بیشتر چالش‌های مطرح‌شده در مسئله مسئولیت اخلاقی در زمینه اراده آزاد و اختیار است، بهتر توانسته است چالش‌های این حوزه را پاسخ گوید، اما در صورتی که بتوانیم



جامعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن اعتقاد به خلافت الهی وسیع‌تر و عمیق‌تر است؛ به گونه‌ای که نمود بیشتری در اخلاق انسان‌ها داشته باشد، چنین جامعه‌ای مسئولانه‌تر در اخلاق عمل خواهند کرد و دیدگاه خلیفه‌مدارانه می‌تواند این اثر را بهتر منعکس کند.

مقایسه دیدگاه سه اندیشمند معاصر در زمینه منشأ مسئولیت اخلاقی

دیدگاه	شباهت	تفاوت‌ها
توجید محورانه		در تحلیل مسئولیت اخلاقی انسان نسبت به خداوند، بر صفت مالکیت حقیقی خداوند تأکید دارد. به این معنا که خداوند به دلیل مالکیت حق دارد از انسان سؤال کند.
خلیفه‌مدارانه	سائل اخلاقی یا تنها قوه قاهره‌ای که حق بازخواست از انسان در امور اخلاقی را دارد، خداوند متعال است.	خلیفه بودن انسان را مدار اصلی مسئولیت اخلاقی او نسبت به خداوند می‌داند. از آن جهت که خداوند مستخلف است به صورت اتم و اکمل حق دارد که از خلیفه خود در تمام زمینه‌ها و از جمله مسئولیت اخلاقی پاسخ مناسب و درخور بخواهد و او را مورد بازخواست قرار دهد. اگر این دیدگاه در جامعه تفوق یابد می‌تواند انسان‌هایی مسئول‌تر پرورش دهد.
پذیرش مدارانه		منشأ مسئولیت اخلاقی انسان را اگر چه خداوند می‌داند، اما آن را منوط به پذیرشی می‌گرداند که از سوی مسئول عنه وجود دارد. پاسخ‌های بهتری به چالش‌های مطرح در زمینه مسئولیت اخلاقی می‌دهد.



فهرست منابع

- ابن فارس، (بی تا). معجم مقاییس اللغة. (محقق: محمد هارون عبدالسلام، ج ۳)، بی جا: دار الفکر.
- ابن شاذان، محمد بن احمد. (۱۴۰۷ق). مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة. (محقق، مصحح: مدرسه امام مهدی (ع) چاپ اول). قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجة الشریف.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). مناقب آل أبي طالب (ج ۴). قم: انتشارات علامه.
- افلاطون. (بی تا). دوره آثار افلاطون. (مترجم: محمد حسین لطفی و رضا کاویانی، ج ۱)، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- بدوی، عبدالرحمن. (۱۹۷۶). الاخلاق النظرية. کویت: وکالت المطبوعات.
- برنت، ریچارد؛ نیگل، تامس؛ بورچرت، دونالد ام. (۱۳۹۲). دانشنامه فلسفه اخلاق. (مترجم: إنشاء الله رحمتی). تهران: انتشارات سوفیا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). حماسه و عرفان. (محقق: محمد صفایی، چاپ هشتم). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم). (محقق: مصطفی خلیلی، چاپ سوم). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). مبادی اخلاق در قرآن. (محقق: حجه الاسلام حسین شفیعی، چاپ ششم). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). ادب فنای مفر بان. (محقق: حجه الاسلام محمد رضایی، چاپ پنجم، ج ۲). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست. (محقق: حجه الاسلام عباس رحیمیان، چاپ پنجم). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تسنیم. (محقق: حجه الاسلام احمد قدسی، چاپ پنجم، ج ۳). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۲۳ق). دستور الاخلاق فی القرآن. قم، دارالکتاب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (بهار ۱۳۹۵). مفاتیح الحیاه. (تحقیق و تنظیم: محمد حسین فلاح زاده، یدالله مقدسی، سید کمال الدین عمادی، محمود لطیفی و جعفر آریانی). قم: مرکز نشر اسراء.
- خواص، امیر؛ اکبر حسینی، اکبر؛ دبیری، احمد؛ شریفی، احمد حسین؛ پاکپور، علی؛ اسلامی، محمد تقی. (۱۳۸۶). فلسفه اخلاق. (چاپ دوم). قم: مرکز نشر معارف.
- دانش، جواد. (۱۴۰۲). مفهوم شناسی مسئولیت اخلاقی. مجله نقد و نظر، ۲۸(۴)، ۳۳-۵۶.

10.22081/jpt.2024. 68601.2109

